



دانشگاه علوم پزشکی تهران
دانشکده پرستاری و مامایی

عنوان:

بررسی تاثیر بکارگیری مدل مراقبت پیگیر بر عوارض پیوند مغز استخوان در بیماران تحت پیوند

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
پرستاری داخلی جراحی

نگارنده:

فاطمه اسماعیل زاده

استاد راهنما

دکتر شهرزاد غیاثوندیان

استاد مشاور

دکتر معصومه ذاکری مقدم

استاد مشاور آمار

دکتر انوشیروان کاظم نژاد

۱۳۹۷

چکیده:

مقدمه و هدف:

پیوند مغز استخوان یک روش استاندارد برای درمان بدخیمی‌های خونی، بیماری‌های نقص ایمنی و اختلالات متابولیک است که عوارض حاد و مزمنی را به دنبال دارد و بر روی سیستم‌های مختلفی در بدن تاثیر می‌گذارد و فرد دچار عوارض جسمی و روانی متعددی می‌شود که از مهم‌ترین عوارض آن بیماری حاد پیوند علیه میزبان^۱، موکوزیت، بروز عفونت‌های ریوی و سیستم ادراری و سایتومگالوویروس می‌باشد که به جهت کنترل و درمان عوارض به دفعات نیاز به بستری مجدد پیدا می‌کنند و این روند طولانی، درمان با اضطراب و فشارهای عاطفی همراه است؛ لذا جهت جلوگیری از عوارض و عود بیماری، مراقبت مداوم و مستمر شایان توجه می‌باشد. به کارگیری مدل مراقبت پیگیر، موجب شناخت صحیح مشکلات بیمار، انگیزه سازی و درگیر کردن بیمار و خانواده وی به منظور رفع مشکل می‌گردد. این مطالعه با هدف تعیین بررسی تاثیر بکارگیری مدل مراقبت پیگیر بر عوارض پیوند مغز استخوان در بیماران تحت پیوند انجام شده است.

روش بررسی:

این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی دو گروهی بر روی ۱۰۴ بیمار مبتلا به انواع سرطان‌های خون و دارای شرایط ورود به مطالعه که به مرکز پیوند سلول‌های بنیادی بیمارستان شریعتی تهران مراجعه کرده بودند؛ انجام شد. بیماران به روش تخصیص تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه کنترل مراقبت‌ها و آموزش‌های روتین دریافت کردند و بیماران در گروه مداخله علاوه بر مراقبت‌های روتین، آموزش‌های مداوم در زمینه بهبود تغذیه، تسکین علائم و عوارض بیماری پیوند علیه میزبان، کنترل عفونت و کاهش روزهای بستری مجدد و کنترل اضطراب به صورت فردی و بر اساس مدل مراقبت پیگیر به مدت ۳ ماه دریافت کردند. هر یک از متغیرهای بروز aGVHD، بستری مجدد و بروز علائم عفونت هر ۴ هفته تا ۳ ماه پس از پیوند، و متغیرهای موکوزیت و اضطراب قبل از پیوند و طی آماده سازی جهت پیوند و هر ۴ هفته تا ۳ ماه پس از پیوند مورد ارزیابی قرار گرفتند. و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها:

یافته‌های این پژوهش نشان داد گروه مداخله و کنترل از نظر کلیه متغیرهای دموگرافیک و امتیاز کسب شده در اضطراب قبل از پیوند و موکوزیت قبل از پیوند، همگن هستند ($P_Value > 0/05$). در گروه مداخله شدت بروز موکوزیت در فاصله ۴ هفته، ۸ هفته و ۱۲ هفته پس از پیوند در مقایسه با گروه کنترل تفاوت

1 - Acute Graft Versus Host Disease (aGVHD)

آماري معناداري وجود داشت ($P_Value < 0/05$). در مقايسه شدت و درجه aGVHD كلي، پوستي، كبدي و گوارشي در فاصله 4 هفته، 8 هفته و 12 هفته پس از پيوند بين دو گروه كنترل و مداخله تفاوت آماري معناداري مشاهده نشد ($P_Value > 0/05$). در مورد بروز علائم عفونت نتايج نشان داد كه از نظر فراواني بروز علائم عفونت در دو گروه كنترل و مداخله در 4 هفته، 8 هفته و 12 هفته پس از پيوند تفاوت آماري معناداري وجود داشت ($P_Value < 0/05$). در ميانگين نمرات اضطراب آشكار و پنهان با استفاده از ابزار اشپيل برگر در 4 هفته، 8 هفته و 12 هفته پس از پيوند در 2 گروه كنترل و مداخله تفاوت آماري معناداري وجود داشت و اضطراب در گروه مداخله به طور معناداري كمتر از گروه كنترل بود ($P_Value < 0/05$).

نتيجه گيري:

مطالعه نشان داد كه مدل مراقبت پيگير مي تواند تاثير مطلوبي بر بروز و كنترل عوارض پس از پيوند در بيماران تحت پيوند سلول هاي بنيادي داشته باشد و پيشنهاده مي شود كه از آن به عنوان يك مدل كارا، ساده و موثر در ارتقا و بهبود عوارض در اين بيماران كه نياز به آموزش و مراقبت مداوم دارند؛ استفاده گردد.

كليد كليدي: مدل مراقبت پيگير، پيوند مغز استخوان، عوارض پيوند مغز استخوان



**Teheran University of Medical Sciences
School of nursing and midwifery**

Title:

**The Effect of Implementation of Continuous Care Model on Complications
In Patients Undergoing Bone Marrow Transplantation**

**"A Thesis Submitted As Partial Fulfillment of The Requirements For Master Of
Science (Msc) Degree" In Medical – Surgical Nursing**

By:

Fatemeh Esmaelzadeh

Supervisor:

Dr. Shahrzad Ghiyasvandian

Consultants:

Dr. Masoumeh Zakerimoghadam

Dr. Anoshirvan Kazemnejad

Abstract

Background and objectives

Bone marrow transplantation is a standard method for treating hematologic malignancies, immunodeficiency diseases and metabolic disorders; which are followed by chronic and acute complications and affect various systems in the lead to physical and emotional complications for patients. Graft versus host disease, mucositis, respiratory, urinary tract and cytomegalovirus infections are the most common side effects of bone marrow transplantation. Several hospital readmissions are required for control and treatment the complications. Long-term treatment is associated with anxiety and emotional stress. Continuous care and monitoring are notable to prevent side-effects and readmissions. Continuous implementation of Care Model helps in correctly identifying patient's difficulties, motivating, involving patients and their family in therapeutic process in order to solve the problem. The aim of this study is to examine the effect of implementation of Continuous Care Model on complications in patients undergoing bone marrow transplantation

Material and methods

This two group randomized clinical trial conducted on 104 patients who were eligible to participate in study with different blood malignancies at stem-cell transplantation center, in shariatic hospital. Patients were randomized into two intervention and control groups with Random allocation method. The control group received routine cares and trainings, but the intervention group received further routine training individually according to Continuous Care Model for three months in fields of nutrition improvement, infection control, relieving symptoms, GVHD, reducing hospital readmissions' day and anxiety management. Every single variables include incidence of acute GVHD, hospital readmission, signs of infections were evaluated every four weeks in three months. mucositis and anxiety factors were evaluated before, among and after transplantation for every four weeks in three months. All data were analyzed using the SPSS statistical software package version 16.

Results

There was not a significant difference between intervention and control group regarding all demographic factors achieved scores in anxiety and mucositis before transplantation ($P_{\text{value}} > 0.05$). The intensity of mucositis in intervention group at 4, 8 and 12 weeks after transplantation were significantly different in comparison with control group ($P_{\text{value}} < 0.05$). However the intensity, rate of general, skin, liver and digestive GVHD were not statistically different between two groups. ($P_{\text{value}} > 0.05$). The development of infection in 4, 8 and 12 weeks after transplantation was different in both groups ($P_{\text{value}} < 0.05$). According to the Espil berger questionnaire the mean scores of apparent and hidden anxiety at 4, 8 and 12 weeks after transplantation had significant difference in both groups. The anxiety in intervention group was significantly lower than the control group ($P_{\text{value}} < 0.05$).

Conclusion:

This study highlights the beneficial effect of Continuous Care Model on complications after transplantation in patients with stem cell transplantation. It is suggested to use this model as a

simple, practical and effective model in improving complications for patients who need continuous training and care.